****

**Horse General Features**

**ویژگی های کلی اسب**

In prehistoric times the wild horse was probably first hunted for food. Research suggests that domestication had taken place by approximately 6,000 years ago. It is supposed that the horse was first used by a tribe of Indo-European origin that lived in the steppes north of the chain of mountains adjacent to the Black and Caspian seas. Influenced by climate, food, and humans, the horse rapidly acquired its present form.

در دوران ماقبل تاریخ، اسب وحشی احتمالاً برای اولین بار برای غذا شکار می شد. تحقیقات نشان می دهد که اهلی سازی حدود 6000 سال پیش رخ داده است. فرض بر این است که اسب برای اولین بار توسط قبیله هندواروپایی که در استپ های شمال رشته کوه های مجاور دریا های سیاه و خزر زندگی می کردند، استفاده شد. اسب ها تحت تأثیر آب و هوا، غذا و انسان به سرعت شکل کنونی خود را به دست آورند.

The relationship of the horse to humans has been unique. The horse is a partner and friend. It has plowed fields and brought in the harvest, hauled goods and conveyed passengers, followed game and tracked cattle, and carried combatants into battle and adventurers to unknown lands. It has provided recreation in the form of jousts, tournaments, carousels, and the sport of riding. The influence of the horse is expressed in the English language in such terms as chivalry and cavalier, which connote honour, respect, good manners, and straightforwardness.

رابطه اسب با انسان بی نظیر بوده است. اسب شریک و دوست انسان است. مزارع را شخم زده و در برداشت محصول موثر بوده است، کالاها و مسافران را حمل می کند، شکار را دنبال کرده و احشام را ردیابی می کند، و جنگجویان را به نبرد و ماجراجویان را به سرزمین های ناشناخته می برد. تفریحاتی را در قالب نیزه بازی سواره، مسابقه، چرخ و فلک و ورزش سوارکاری فراهم کرده است. تأثیر اسب در زبان انگلیسی با عباراتی مانند دلیر و شوالیه بیان می شود که به معنای شرافت، احترام، اخلاق خوب و صداقت است.

The horse is the “proudest conquest of Man,” according to the French zoologist Georges-Louis Leclerc, comte de Buffon. Its place was at its master’s side in the graves of the Scythian kings or in the tombs of the pharaohs. Many early human cultures were centred on possession of the horse. Superstition read meaning into the colours of the horse, and a horse’s head suspended near a grave or sanctuary or on the gables of a house conferred supernatural powers on the place. Greek mythology created the Centaur, the most obvious symbol of the oneness of horse and rider. White stallions were the supreme sacrifice to the gods, and the Greek general Xenophon recorded that “gods and heroes are depicted on well-trained horses.” A beautiful and well-trained horse was, therefore, a status symbol in ancient Greece. Kings, generals, and statesmen, of necessity, had to be horsemen. The names of famous horses are inseparably linked to those of their famous riders: Bucephalus, the charger of Alexander the Great; Incitatus, once believed to have been made a senator by the Roman emperor Caligula (see Researcher’s Note); El Morzillo, Hernán Cortés’s favourite horse, to whom the Indians erected a statue; Roan Barbery, the stallion of Richard II, mentioned by Shakespeare; Copenhagen, the duke of Wellington’s horse, which was buried with military honours.

طبق اظهار جانورشناس فرانسوی ژرژ-لوئی لکرک کنت دو بوفون، اسب "مفتخرترین فتح انسان" است. مقبره وی در کنار اربابش در قبرستان های پادشاهان سکاها یا در مقبره های فراعنه است. بسیاری از فرهنگ های اولیه بشری بر مالکیت اسب متمرکز بودند. رنگ اسب خرافات تلقی می شد و سر اسبی که در نزدیکی قبر یا پناهگاه یا روی شیروانی خانه آویزان بود، قدرت‌های ماوراء طبیعی به آن مکان می‌بخشید. اساطیر یونانی قنطورس را خلق کردند که بارزترین نماد یگانگی اسب و سوارکار است. اسب های نر سفید بالاترین قربانی برای خدایان بودند، و ژنرال یونانی گزنفون نوشته است که "خدایان و قهرمانان بر روی اسب های آموزش دیده به تصویر کشیده شده اند." بنابراین، یک اسب زیبا و به خوبی آموزش دیده در یونان باستان نماد وضعیت بود. پادشاهان، ژنرال ها و دولتمردان، به اجبار باید سوارکار می شدند. نام اسب های معروف به طور جدایی ناپذیر با سوارکاران معروف آنها مرتبط است: بوسفالوس، اسب جنگی اسکندر مقدونی، اینستیتاتوس، که زمانی گمان می‌رفت توسط امپراتور روم کالیگولا سناتور شده است. ال مورزیلو، اسب مورد علاقه ارنان کورتس، که سرخپوستان مجسمه ای برای او ساختند. روآن باربری، اسب نر ریچارد دوم که شکسپیر به آن اشاره کرده است. کپنهاگ، اسب دوک ولینگتون، که با افتخارات نظامی به خاک سپرده شد.

The horse has occupied a special place in the realm of art. From Stone Age drawings to the marvel of the Parthenon frieze, from Chinese Tang dynasty tomb sculptures to Leonardo da Vinci’s sketches and Andrea del Verrocchio’s Colleoni, from the Qurʾān to modern literature, the horse has inspired artists of all ages and in all parts of the world.

اسب در قلمرو هنر جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. از نقاشی‌ های عصر حجر تا شگفتی ‌های پریتنون، از مجسمه‌ های مقبره‌ های سلسله تانگ چین تا طرح ‌های لئوناردو داوینچی و کولئونی آندرئا دل وروکیو، از قرآن تا ادبیات مدرن، اسب الهام ‌بخش هنرمندان در همه اعصار و در تمام بخش‌های جهان بوده است.

The horse in life has served people in travels, wars, and labours and in death has provided many commodities. Long before their domestication, horses were hunted for their flesh, and horsemeat is still consumed by people in parts of Europe and in Iceland and is included in many pet foods. Horse bones and cartilage are used to make glue. Tetanus antitoxin is obtained from the blood serum of horses previously inoculated with tetanus toxoid. From horsehide a number of articles are manufactured, including fine shoes and belts. The cordovan leather fabricated by the Moors in Córdoba, Spain, was originally made from horsehide. Fur coats are made of the sleek coats of foals. Horsehair has wide use in upholstery, mattresses, and stiff lining for coats and suits; high-quality horsehair, usually white, is employed for violin bows. Horse manure, which today provides the basis for cultivation of mushrooms, was used by the Scythians for fuel. Mare’s milk was drunk by the Scythians, the Mongols, and the Arabs.

اسب در زندگی در مسافرت ها، جنگ ها و کارها به مردم خدمت کرده و هنگام مرگ کالاهای بسیاری فراهم آورده است. مدت‌ها قبل از اهلی شدن، اسب‌ها برای گوشتشان شکار می‌شدند و گوشت اسب هنوز توسط مردم بخش‌ هایی از اروپا و ایسلند مصرف می‌شود و در بسیاری از غذاهای حیوانات خانگی گنجانده می‌شود. برای ساختن چسب از استخوان و غضروف اسب استفاده می شود. آنتی توکسین کزاز از سرم خون اسب هایی که قبلاً با کزاز تلقیح شده اند به دست می آید. از پوست اسب اجناسی مانند کفش و کمربندهای خوب. چرم کردوبای ساخته شده توسط اهالی شمال آمریکا در کردوبا، اسپانیا تولید می شود. کت های خز از پوست های براق کره اسب ها ساخته می شوند. موی اسب در اثاثیه یا لوازم داخلی، تشک و آستر سفت برای کت ها و کت و شلوار استفاده می شود. موی اسب با کیفیت، معمولاً سفید، برای کمان ویولن به کار می رود. کود اسب که امروزه زمینه پرورش قارچ را فراهم می کند، توسط سکاها برای سوخت استفاده می شد. شیر مادیان را سکاها، مغول ها و اعراب مصرف می کردند.

A mature male horse is called a stallion, the female a mare. A stallion used for breeding is known as a stud. A castrated stallion is commonly called a gelding. Formerly, stallions were employed as riding horses, while mares were kept for breeding purposes only. Geldings were used for work and as ladies’ riding horses. Recently, however, geldings generally have replaced stallions as riding horses. Young horses are known as foals; male foals are called colts and females fillies.

به اسب نر بالغ، استالیون و اسب ماده، مادیان می گویند. استالیون برای پرورش استفاده می شود که به عنوان مرکز پرورش نریان شناخته می شود. به استالیون عقیم شده معمولاً اسب آخته می گویند. سابقاً از استالیون به عنوان اسب سواری استفاده می شد، در حالی که مادیان فقط برای اهداف پرورشی نگهداری می شدند. از آخته ها برای کار و به عنوان اسب سواری بانوان استفاده می شد. با این حال، اخیراً آخته ها به‌عنوان اسب‌های سواری جایگزین اسب‌های استالیون شده‌اند. اسب های جوان به کره اسب معروفند. کره های نر را کولت و ماده ها را فیلی می گویند.

**Source**:

britannica.com/animal/horse/Thoroughbred